

در غیر تقصی فطرت از صورت صواب انجام تحصیل کمال  
 که خصیصه نوع او است نحو ف و تمایل جاهل از حیوانات  
 خوش باشد و چون بر همین قیاس احوال جمادات  
 ملاحظه کند ظاهر گردد که از آن مرتبه نیز فراتر است بر حسب  
 اختیار فطرت انسانی از اعلیٰ علیین احسن تقویم باشد  
 آن فلین اولیکت کا لثعام بل هم اضل سبیل را  
 بین در اسطاطالیمس گفته که اگر بینای و مابینای مرد  
 در جاه افتند در شقاوت مردوشه بکنند اما ناچنا  
 بجز تفتان اسباب احتراز ممدور و مرحوم باشد  
 و پنا بجز تقصیر نزد عقل معاقب و موم چنانکه گفته اند  
 و لم ارنی عبوب الناس عیا کفقص القادین علی القاد  
 و بر اتفاق عقل و نقل مسیح فضیلت بی علم تام نیست  
 و لهذا حضرت رب الارباب در کتاب العجراتنا  
 حضرت رسالت ماب را امر بر استعدای زیادتی علم

بنا

میفرماید چنانچه فرموده و قل رب زدنی علما چون عادت  
 از حضرت مصطفی سوال کرد که مای شئی یتفاضل الناس  
 فرمود بالعقل و حضرت مصطفی ص با حضرت مرتضی ایضا  
 اذ انزلت الناس الی عالمهم بانواع البر تقرب انت تعلات  
 تسببهم بالدرجات والرتب لعی ای مرتضی علی مرگانه نزد  
 جهیز مردم با فرزند خود بسبب انواع طاعات و عبادات  
 ترسبب عقل و فکر در آله و صفات او نزدیکی جوی باو  
 تا درجات و قربت برایشان سابق باشی و درجه  
 است که اناس اما عالم او متعلم و العاقبی کا هیچ و یکی  
 از صحابه از حضرت رسالت نباهه سوال کرد که کدام  
 عمل ما فاضله است فرمود علم دیگر همین سوال گردمان  
 جواب داد تا ندر بار استحضار گفت من از عمل سوال  
 میکنم نه از علم فرمود که عمل اندک با علم بهتر است از  
 عمل بسیار با جهل **علاج جهل** ک تحقیقت او اعتقاد و غیر